



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته ښه راغلاست!



تاریخ نشر ۲۰ آگست ۲۰۱۴ م

حکایت ۲۲۴

چو زهره وقت صبح از افق بسازد چنگ

زمانه تیز کند نالهء مرا آهنگ

«ظهير فاریابی»

ابو نصر فاریابی و سیف الدوله

این حکایت را بعضی از تذکره نویسان و مؤرخان ، در شرح حال ابو نصر فاریابی (محمد بن اوزلغ بن طرخان حکیم بزرگ اسلامی متولد در سال ۲۶۰ و متوفی در سنه ۳۳۹) آورده اند ولی باستثناء موضوع موسیقی دانی ابو نصر، گمان نمی رود که سایر قسمت های حکایت از مبالغه خالی باشد والله اعلم.

فارابی به مجلس سیف الدوله همدانی امیر حلب وارد شد و امیر باو اجازه جلوس داد، فارابی گفت :

کجا بنشینم ، جایی که من میخوام یا جایی که تو میگوئی؟

سیف الدوله گفت : جایی بنشین که خودت میخواهی !

فارابی روی دست و شانه مردم پای گذاشت و بر مسند سیف الدوله نشست .

سیف الدوله بزبان مخصوصی که با غلامان و درباریان خود حرف میزد بآنان گفت :

این شخص آدم بی ادبی بنظر می آید!

فارابی بهمان زبان گفت : در ابراز نظر اندکی تأمل باید کرد!

سیف الدوله پرسید : مگر تو این زبان را میدانی ؟

فارابی جواب داد؟ من قریب هفتاد زبان را میدانم .

بعد ازین گفت و شنود، مباحثه علمی شروع شد و فارابی بر همه دانشمندان غلبه کرد تا حدی که دفتر ها را از جیب بر آوردند و سخنان فارابی را یادداشت کردند.

در این هنگام مطربان و مغنیان به مجلس وارد شدند و به نواختن سازها و آلات طرب مشغول شدند.

فارابی در باره بعضی از پرده ها و گوشه های موسیقی اظهار نظر کرد.

سیف الدوله پرسید: مگر از موسیقی هم اطلاع داری ؟

فارابی در جواب گفت : بلی ، و آنگاه اسبابی از جیب خود بیرون آورد و چنان نواخت که همه حاضران بخنده افتادند سپس وضع آنرا برهم زد و طوری نواخت که همه را گریه دست داد بعد از آن دوباره وضع ساز را تغییر داد و بنواختن پرداخت و در نتیجه همه کسانی که حاضر بودند به خواب رفتند و فارابی از مجلس خارج شد.

(در بعضی از کتب بجای سیف الدوله صاحب بن عباد وزیر دیالمه را ذکر کرده اند).

سلسله این حکایات جالب ادامه دارد...

www.24sahat.com

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی